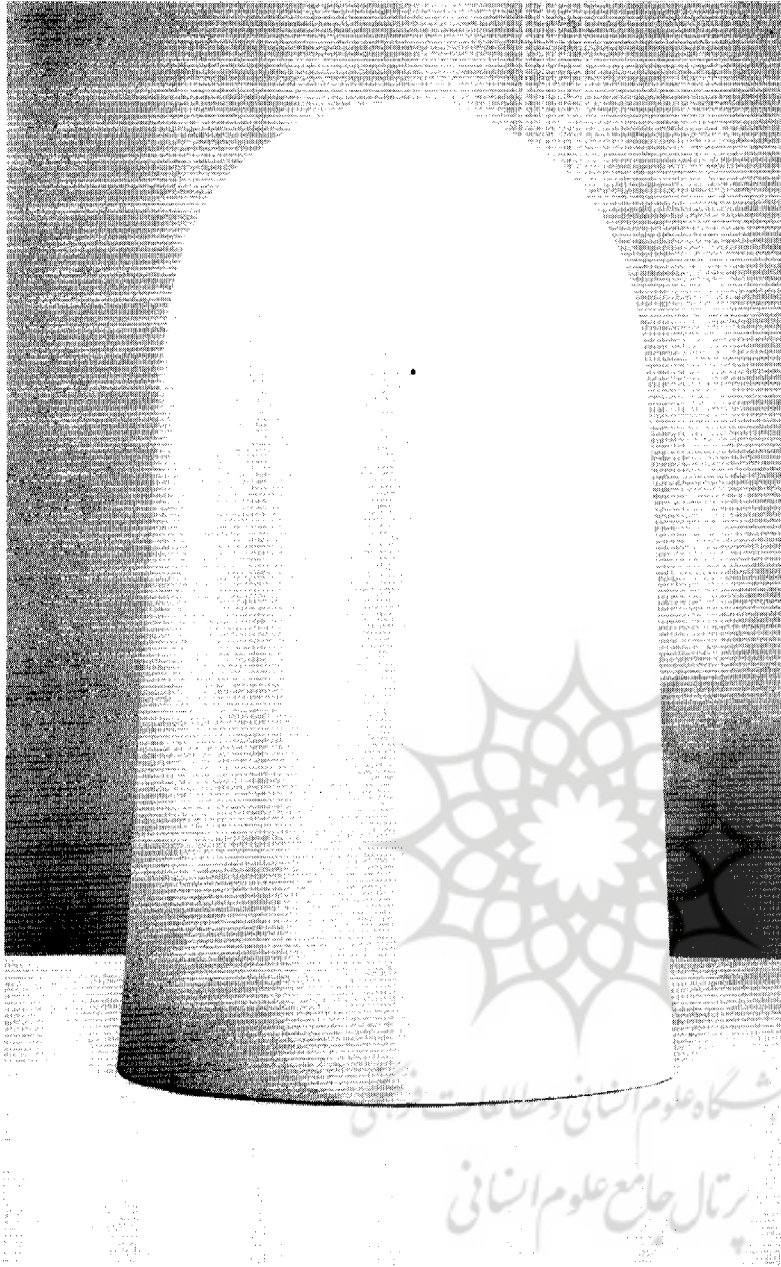


هنر و دست

احمد رضا دالوند

هنرها



Heavenly Gifts No.1
Mixed Media
200×128×60cm
2007

هدایای آسمانی ۱/
ترکیب مواد
۲۰۰ × ۱۲۸ × ۶۰ cm
۱۳۸۶

بی‌نهایت مواد موجود در اطراف (چه طبیعی، چه مصنوعی) در هم آمیزد. در چنین فضایی است که هنرمند مصمم می‌شود اندیشه‌ورزی را گام نخست خود برای حرکت خلاقه به حساب آورد و بگذارد تا اندیشه‌ها ماتریال مناسب خود را پیدا کنند. هنرمند، در چنین شرایطی ماتریال متناسب با ذهنیات خود را می‌سازد یا ترکیب Mixed می‌کند. چرا که دیری است قالب‌های مألوف، دیرین و سنتی مثل سنگ و آهن و برنز و چوب، دیگر تنها ماتریال مجسمه‌سازان نیست. «مجسمه‌سازی مفهومی» بر قابلیت‌های فن‌آوری و برانبوه ماتریال که فن‌آوری

کوروش (علی‌اصغر) گلناری متعلق به ژانری از مجسمه‌سازی است که می‌تواند به موازات نقاشی، شعر و حتی فلسفه در کشف آفاق اندیشه و تخیل حرکت کند. دیدن چنین آثاری، این حس را در بیننده ایجاد می‌کند که گویی «فرم سه‌بعدی» دیگر آن حالت سنگین، صیقلی و تحکم‌آمیز خود را از دست داده است. فرم سه‌بعدی حالا دیگر نرم و روان و انعطاف‌پذیر شده و با ضربه‌نگ اندیشه و تخیل منعطف می‌شود و اجازه می‌دهد تا از قالب سنگ، آهن، برنز یا چوب رهایی یابد و با

قادر به تولید، بازیافت و ترکیب آن هاست متکی است.

ابزار و فن به کار رفته توسط کوروش گلناری، او را قادر می‌سازد تا با سرعت و آزادی بیشتری کار کند.

بدیهی است در چنین رویکردی، نمی‌توان در اندیشه خلق اثر یا آثاری منحصر به فرد و یگانه بود، بلکه منطق این رویکرد، با دیدگاه‌های متفاوتش و ابزارهای نوین‌اش، با طراحی و خلق «مجموعه آثار» و «سری‌هایی» که یک موضوع خاص را بازمی‌تاباند، بیشتر سازگار است. به همین علت است که جذابیت بصری و زیبایی صرف، مطلقاً در این ژانر از مجسمه‌سازی به عنوان یک هدف، مورد نظر هنرمند نیست؛ بلکه ممکن است حتی آثار ساخته شده به صورت آثاری تک و منزوی خلق شوند که بیشتر اسیر معنا هستند تا برساخته از فرم. به عبارت روشن‌تر، این آثار بیشتر ذهن مخاطب را به سوی خود می‌کشاند تا چشم او را.

به همین سبب، کوروش گلناری کمتر به استفاده از عوامل تأثیرگذار و تقویت‌کننده در طراحی و ساخت آثارش می‌پردازد. اگر هم چنین کند، در درجه اول به خاطر ضرورت «سوژه» بوده است تا جلوه‌گری‌های بصری و جذب نگاه مخاطب، کوروش گلناری به آن نخله از مجسمه‌سازی مفهومی تعلق دارد که از مواد و ماتریال بی‌نام و نشان که به وفور در طبیعت وجود دارد و یا به فراوانی از ماحصل کار صنعتی انسان به دست می‌آید؛ استفاده می‌کند.

برای او «مفاهیم» اهمیت دارند و نه صرفاً مقولات مرتبط با فرم. در این فرآیند، گلناری این آزادی را برای خود قائل است که با سهولت از حجم به سطح و بالعکس در نوسان باشد. در پرتو این آزادی عمل است که ذهن او نرم و روان بر سطح می‌نشیند و حجم را مطابق با ایده‌هایش به کار می‌گیرد.

کوروش گلناری در مجموعه «هست و نیست» با مفاهیم بنیادین و اندیشه‌هایی که



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
تألیف: جامع علوم انسانی

Knowing
Charcoal, Painted Wood
80×80×25cm
2009

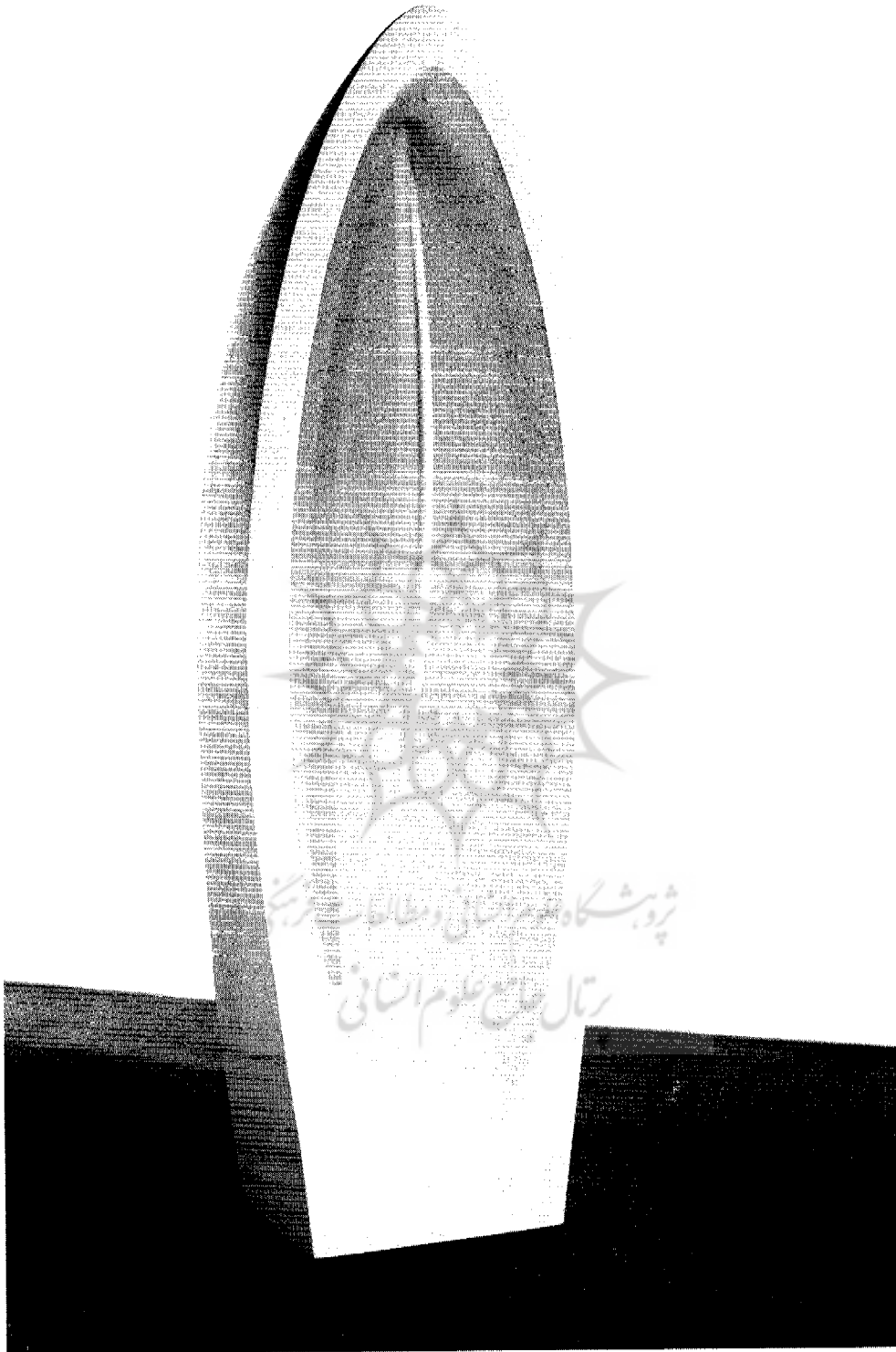
دانستگی
زغال، چوب رنگ شده
۸۰ × ۸۰ × ۲۵ cm
۱۳۸۸



در سرشت آدمی است کار می‌کند. کار با مقولات ابدی و ازلی، همواره دغدغه هنرمندان بوده است. او در رویارویی با چنین ایده‌ای، هوشمندانه شکل دایره‌ای و نرم را به عنوان قالب اثر برگزیده است. چرا که شکل‌های نرم و منحنی برای نمایش اندیشه و قدرت انعطاف فکری، معادل‌های بصری بسیار متناسبی هستند. درست برعکس شکل‌های زاویه‌دار و تیز که خامی و شکنندگی و جوانی را بازمی‌تابانند.

اشکال دایره‌ای و منحنی درخود نوعی یخنتگی، انعطاف و پایان‌ناپذیری را به نمایش می‌گذارند. برخی از آثار منحنی‌شکل کوروش گلناری، «بیرون» و «درون» دارند. در این بیرون و درون، معنای مرتبط با یک تفکر مبتنی بر تضاد، مثل: بهشت و جهنم، خیر و شر، روز و شب، جاویدان و فانی و... مورد چالش ذهنی و تکنیکی قرار گرفته است.

در مجسمه‌سازی مفهومی، «فرم» شما را دعوت می‌کند که از پس عنصر «فرم» با اتفاقات دیگری نیز مواجه شوید. درواقع، «مجسمه‌سازی مفهومی» و از جمله آثار



Heavenly Gifts No.2
Mixed Media
200×75×62 cm
2007

هدایای آسمانی / ۲
ترکیب مواد
۲۰۰ × ۷۵ × ۶۲ cm
۱۳۸۶

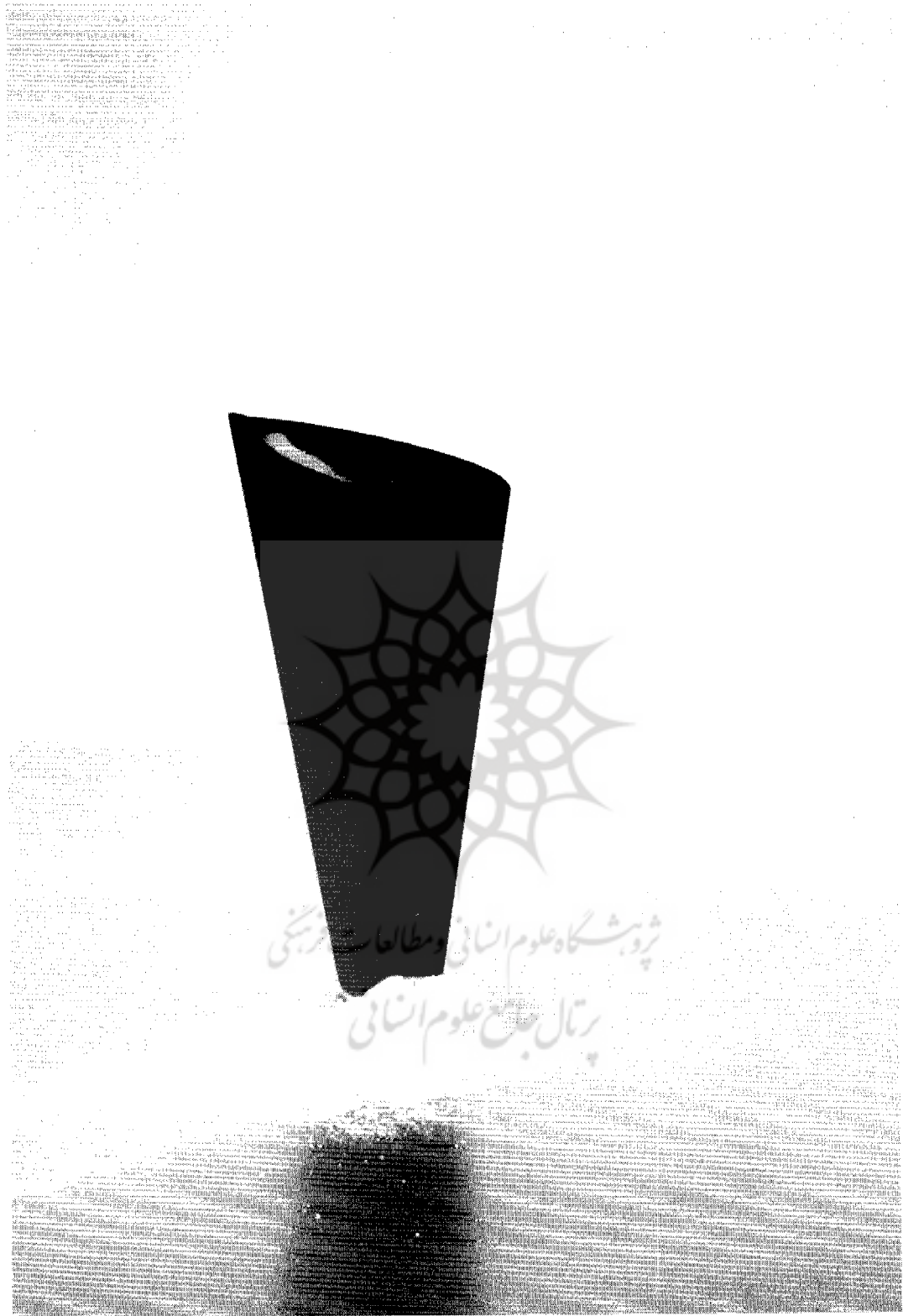


جدید کوروش گلناری در حکم یک بستر هستند که فضای تفکر و کنجکاوی را برای مخاطب فراهم می‌سازد.

برخلاف مجسمه‌سازی مدرن (ماقبل مجسمه‌سازی مفهومی)، «فرم» خودش و زیبایی‌اش را به نگاه مخاطب تحمیل نمی‌کند. به عبارت دیگر، کمپوزیسیون در آثار کوروش گلناری در استخدام ذهنیتی است که او قصد انتقال آن را دارد. در این فرآیند، حتی اگر عنصر زیبایی مانع کار شود، به راحتی هنرمند آن را حذف می‌کند تا «معنا» عریان شود. در واقع، زیبایی نه در سطوح و ارزش‌های بصری، بلکه در «فهم» و «ادراک» متجلی می‌شود.

در این رویکرد، زیبایی ذهن بر زیبایی قالب و بدن غالب است. کوروش گلناری، در یکی از آثارش از یک ظرف سیاه و مقداری نمک استفاده کرده است. در این اثر به ظاهر ساده، می‌توان تضاد سیاهی و سفیدی را دید. نمک (سفیدی) عنصری طبیعی است که می‌تواند همه‌چیز را در درون خودش





پروپشگاه علوم انسانی مطالعات غربی
رتال جن علوم انسانی

هستی
نمک، ترکیب مواد
۴۰ × ۴۴ × ۹۲
۱۳۸۸

حفظ کند بی آن که بیوسد.

کوروش گلناری با دلتنگی، با میل به چیزی که از دست رفته است، با ابهام و تاریکی و با عواطف گذرنده آدمی در قالب مجسمه‌هایی مفهومی، کوشش خود را همچنان ادامه می‌دهد.

بر پیکره حجمی سفید و بزرگ، شکافی کوچک تعبیه می‌کند تا بیننده را به فکر کردن، به کشف کردن و به کنجکاوی بخواند. در ضمن، گلناری با اجرای چنین آثاری، این اختیار را به مخاطب می‌دهد تا به میل خودش به تعبیر و تفاسیر مختلفی نائل شود. او، در واقع می‌خواهد بیننده را با ابهام درگیر سازد.

یکی دیگر از ویژگی‌های آثار کوروش گلناری سادگی آن‌هاست. این سادگی که بیشتر در شکل آثار این هنرمند به چشم می‌آید، اصلاً به معنای سادگی در اندیشه نیست. او فرم را از سر راه خود با ظرافت برداشته است (منظور، جنبه‌های گول‌زننده فرم است) تا خالصانه و بدون شائبه ایده‌هایش را مطرح سازد. در این‌جا، بی آن‌که به پارادوکس دچار شویم، می‌خواهم بگویم هرآن‌چه صرفاً زیباست ممکن است ما را به یک وادی بکشاند که با افسون و اعجاز زیباشناسانه

عجین است تا با نفس اندیشه.

معروف است که پابلو پیکاسو، هرگاه در ضمن اجرای یک اثر، عنصر زیبا و دلفریب برکار غلبه می‌یافت، با جرأت و فوریت آن‌ها را حذف می‌کرد. او با این عمل، می‌خواست تا از درون امحاء و احشاء و از اعماق تاریکی‌های ضمیر، فرم را بیرون بکشد این جریان یک حرکت ضدبوروژوایی و در واقع، خلاقیتی ناب است که تنها وامدار فکر و خیال خالص انسانی است.

کوروش گلناری با دل‌بستگی خود به این هنر بی‌پیرایه، هم خود را از قید «موضوع» رهنیده و هم از استیلای «فرم» رها کرده است.

می‌خواهم بگویم، درست است که گلناری، مخاطب را از قید فرم رهنیده است، اما هرگز ذهن مخاطب را هم صرفاً به‌سوی ایده‌های خود سوق نمی‌دهد.

آثار کوروش گلناری، حجم‌هایی برای اندیشیدن هستند و در ذات خود، هیچ «بایدی» را پیش‌پای مخاطب قرار نمی‌دهند. مشارکت مخاطب در فهم حجم‌های مبهم و اندیشه‌نگاری‌های کوروش گلناری، به مثابه ارتباطی تفکربرانگیز، هدف غایی این هنرمند است.

